دایرة المعارف نویسی، و مشکلات آن

کیهان فرهنگی

فانی، کامران

یوسفی اشکوری، حسن

خرمشاهی، بهاءالدین

کیهان فرهنگی:مرجع شناسی در جامعهء ما چه جایگاهی دارد؟

استاد کامران فانی:کار اصلی و علاقهء شخصی بنده‏ کتابداری و مرجع شناسی است،کاری که در کشور ما کمبود آن چشمگیر است؛یعنی اشکال ما این است که‏ منابع را نمی‏شناسیم.مرحوم مینوی قول معروفی دارد که می‏گوید:«داشتن منابع پاسخ به نیمی از پرسشهاست».یعنی هر سؤالی که داشته باشید اگر منبع و یا منابع را بشناسید در واقع پاسخ نیمی از سؤال‏ را پیدا کرده‏اید،نیم دیگر آن هم جستجو و فکر و تعمق‏ در آن است.بنابر این،منبع و مرجع شناسی به ویژه در جامعهء امروزی ما که اطلاعات و دانش‏ها گسترشی‏ عظیم یافته‏اند،اهمیت بسیار دارد.این گسترش‏ اطلاعات هم از راه پرسش به دست می‏آید.جامعه‏ای‏ که در آن پرسش مطرح نباشد جامعه‏ای مرده و راکد است.جامعه‏ای زنده و پویاست که در آن پرسش‏های‏ متفاوت مطرح شود و راه پاسخگویی بدان نیز مشخص‏ گردد.یکی از راههای مهم در این زمینه بهره‏گیری از کتابهای مرجع است.

کیهان فرهنگی:آیا در قدیم هم‏ مرجع شناسی وجود داشته است؟

فانی:بله،ما از تمدن گذشتهء اسلامی‏مان که تمدنی‏ بسیار درخشان بوده،یک مقدار کتاب مرجع در دست‏ داریم؛اما آسان‏یابی و سهولتی که در کتابهای مرجع‏ کنونی دیده می‏شود،در تمدن قبل پیشینه‏ای بدین‏ صورت و شکل ندارد.تدوین این مرجع‏ها به گونه‏ای‏ بوده که اینک دستیابی به اطلاعات در آن منابع بسیار مشکل است.فرض بفرمایید یکی از این مراجع که به‏ فارسی است و من توصیه می‏کنم که هر کس‏ می‏خواهد با معارف گذشته آشنا شود به آن رجوع کند، «نفایس الفنون»نوشتهء آقای شمس الدین عاملی در قرن هشتم و معاصر حافظ است که مجموعه‏ای از معارف زمان خودش است.شاید بیش از صد علم در آنجا معرفی اجمالی شده،به گونه‏ای که اگر کسی با آن‏ کتاب آشنا باشد در واقع کلیتی از معارف تمدن‏ اسلامی آن زمان را شناخته است.اما این کتاب هر چند خوب تدوین شده،دستیابی به اطلاعاتش بسیار سخت‏ است و اگر خواسته باشید از موضوع خاصی اطلاع‏ یابید،باید وقت بسیاری را صرف آن کنید.

کیهان فرهنگی:پس خوب است‏ بفرمایید ویژگی دایرة المعارفهای جدید در چیست؟

فانی:چند ویژگی این مراجع را از مرجع‏های قدیم‏ جدا می‏کنند:1-نظم خاص که برای دایرة المعارفهای‏ جدید امری ضروری است و اساس آن بدین شکل است:بر اساس نظم الفبایی که دستیابی به اطلاعات از این‏ راه آسانتر است؛نظم موضوعی که اطلاعات بر اساس‏ موضوع ترتیب یافته‏اند؛نظم تاریخی که بر اساس تاریخ‏ وقوع آگاهی‏ها را ارائه می‏کند 2-بی‏طرفی که یکی از ویژگیهای اساسی آن است؛اطلاعات باید به گونه‏ای‏ باشند که هر قدر ممکن است از جانبداری در آنها فاصله گرفته شده باشد؛در مقالات دایرة المعارفی نباید داوری و ارزش گذاری رخنه کرده باشد،زیرا داوری باید بر اساس اطلاعات داده شده و از طرف خود خواننده و مراجعه کننده صورت گیرد؛3-ایجاز،یعنی‏ دایرة المعارف باید اطلاعاتی خیلی اجمالی به خواننده‏ بدهد،حتی دایرة المعارف‏های تخصصی نیز معلومات‏ عمومی هر تخصصی را در خود جای داده‏اند.اگر موجز بودن در این راه نادیده گرفته شود سبب بزرگ و حجیم شدن بی‏مورد دایرة المعارف خواهد شد.البته‏ برخی از دایرة المعارف‏ها چنین هستند،اما شایسته آن‏ است که ایجاز در مقالات به طور حتم رعایت شود.از دسته دایرة المعارف‏های بزرگ در جهان که به طور مفصل کار کرده‏اند،من می‏توانم به دایرة المعارفی به‏ زبان چینی اشاره کنم که می‏گویند در بیش از دو هزار جلد اطلاعات خود را گردآوری کرده است،یکی دیگر هم به ایتالیایی است که در قرن نوزدهم شکل گرفته و در یکصد و پنجاه جلد بوده.اینک حتی در دایرة المعارف‏های خیلی بزرگ نیز کوشش بر آن است‏ که از بیست یا سی جلد فراتر نروند.گر چه در این میان، هم اکنون در خود ایران گویا بناست«دایرة المعارف‏ بزرگ اسلامی»در بیش از صد جلد انتشار یابد،ولی در اصل تفصیل دایرة المعارف به نظر من گونه‏ای نقض‏ غرض است و زمان تألیف مقالات و نشر آنها را بسیار طولانی خواهد کرد.در این مواقع اگر مراجعه کننده‏ به اطلاعات بیشتری نیاز داشته باشد،می‏تواند به‏ منابعی که در همان دایرة المعارف ذیل هر مقاله ذکر شده مراجعه کند و نیازی به گردآوری اطلاعات مفصل‏ در یک مقاله از دایرة المعارف نیست.

کیهان فرهنگی:در صحبت با برخی‏ پدیدآورندگان،آنان به این نکته اشاره‏ می‏کنند که طولانی شدن پاره‏ای از مقالات به دلیل اهمیت آنهاست،نظر شما چیست؟

فانی:به گمان من این یکی از اشتباهاتی است که‏ متأسفانه در پندار برخی از افراد شکل گرفته است. برخی چنین می‏پندارند که اگر مقاله‏ای مفصل باشد دلیل بر اهمیت آن است یا باید دلیلی بر اهمیت آن‏ تلقی شود؛در حالی که چنین نیست.در خیلی جاها شما به راحتی می‏توانید دربارهء آن در کوتاه‏ترین و کمترین حجم حق مطلب را ادا کنید،در صورتی که‏ برخی مقالات دیگر هر چند اهمیت مقالهء اولی را نداشته باشند،برای آنکه بتوان حق مطلب را ادا کرد ناچار باید آنها را خیلی مفصل‏تر نوشت.این داوری را من قبول ندارم که طول مقالات رسانندهء اندازهء اهمیت‏ آنهاست.

کیهان فرهنگی:اگر موافق باشید باز گردیم به بحث ابتدایی‏مان دربارهء شکل‏ دایرة المعارف جدید و قدیم.

حجت الاسلام حسن یوسفی اشکوری:چنان که‏ می‏دانید،دایرة المعارف به شکل جدید دستاورد غربیان‏ است،اما از نظر محتوایی ما در گذشته نمونه‏های‏ بسیار خوبی هم در تاریخ و تمدن فرهنگ اسلامی‏ داشته‏ایم؛دایرة المعارفهایی که حتی بر اساس حروف‏ الفبا و یا موضوع نظم یافته‏اند.اما مجموعهء ویژگیهای‏ دایرة المعارف جدید مسأله‏ای تازه است.در واقع‏ دایرة المعارف جدید می‏خواهد مطالب و موضوعات را اول در یک مجموعه گرد آورد،دوم این مجموعه در کوتاه‏ترین عبارات باشد،سوم مستند و علمی باشد، چهارم بی‏طرف باشد و پنجم الفبایی باشد.البته‏ الفبایی را شاید نشود گفت که ضابطه‏ای صد در صد اساسی برای دایرة المعارف‏هاست،ولی روال این گونه‏ است.در اروپا هم بعد از رنسانس،به ویژه در قرن‏ هجدهم دایرة المعارف‏های بسیار و مهمی پیدا می‏شوند و در واقع علوم جدید اروپا به یک معنا با همین دایرة المعارفهایی که نوشته شد پایه‏گذاری شد و یا تداوم پیدا کرد.به عبارت دیگر،یکی از محصولات‏ فکری روشنفکران اروپا و غرب همین‏ دایرة المعارف نویسی بود؛تا جایی که در فرانسه عنوانی‏ هست که اینجا هم کاربرد دارد،و آن عنوان«اصحاب‏ دایرة المعارف»است.این اصحاب با داده‏های علمی‏ تازه‏ای که به طور دقیق و منسجم و منظمی در اختیار جامعه گذاشته‏اند جامعه را در معرض یک تکان و تحرک فکری تازه قرار می‏دهند.

دایرة المعارف به شکل جدید مانند بیشتر موارد دیگر در غرب منظم و پیشرفته شد و در واقع از آنجا بود که‏ شکل جدید آن به کشورهای شرقی و اسلامی راه باز کرد.در این راه هم به دلیل نزدیکی کشورهای عربی و امپراتوری عثمانی با غرب،آنها زودتر از ما با شکل‏ جدید آشنا شدند و در آن مسیر گام برداشتند.

فانی:لغت دایرة المعارف هم لغتی جدید است؛ لغتی است که در قرن نوزدهم از«انسیکلوپدیا»ترجمه‏ شد:لفظ«سیکل»به معنای«دایره»و«پدیا»به معنای‏ «معرفت»که در مجموع می‏شود«دایرهء معرفت»این‏ لغتی است که در گذشته به این منظور به کار نمی‏رفته. البته خود غربی‏ها هم گام به گام در این راه پیش رفتند تا آنکه به دایرة المعارف نویسی به شکل امروزی رسیدند و جهان نیز از آن الگو برداشت.

دایرة المعارف به شکل قدیم در یک معنا ابتدا در یونان پیدا شد.ما می‏توانیم مجموعهء آثار ارسطو را در کل،یک دایرة المعارف بدانیم چون همهء معارف زمان‏ خودش را در کلیاتش جمع کرده است.اما آنچه در قدیم پیش از جهان اسلام مشهور بوده،دایرة المعارفی‏ به زبان لاتینی است که در رم و به نام«تاریخ طبیعی» پدید آمده.در شرق دور نیز چینی‏ها به‏ دایرة المعارف نویسی می‏پرداختند.ما دایرة المعارف نویسی به مفهوم کلی آن را به تقریب از قرن دوم و سوم شروع کرده بودیم،و خیلی از کتابهای‏ ما مثل«ادب الکاتب»و مانند آن به یک معنی‏ دایرة المعارفند چون مجموعه‏ای از اطلاعات و معارف را جمع کرده‏اند؛ولی فرق اساسی دایرة المعارف جدید با قدیم در محتوا نیست بلکه در شکل است.شکل‏ دایرة المعارف امروزی به نوعی است که خواهنده را به‏ سهولت به مطلب مورد نیازش ارجاع می‏دهد.

در قدیم کارها امری فردی بوده،اما امروز گروهی‏ است و خیلی کم می‏بینید که کسی دایرة المعارفی را به تنهایی پدید بیاورد.پیشینهء کار گروهی متأسفانه‏ اکنون به ذهنم نمی‏آید که از چه زمانی همکاری‏ گروهی برای پدید آوردن دایرة المعارف شکل گرفت.

استاد بهاء الدین خرمشاهی:در این دسته البته‏ «رسایل اخوان الصفا»هست.

فانی:بله همیشه هم بحث بر این بوده که‏ نویسندگان آن چه کسانی بوده‏اند،و در هر حال مسألهء اصلی این است که امروز روش تألیف و تدوین و ویراستاری را ما از شیوه‏هایی که در غرب عملی شده‏ بود،گرفته‏ایم.

کیهان فرهنگی:جدا از تألیف و تدوین-که اگر نباشد خود دایرة المعارف هم نیست-ویراستاری در دایرة المعارف‏ها چه سهمی دارد؟

فانی:ویرایش یکی از بخش‏های اساسی هر دایرة المعارف است.طبیعی است دایرة المعارف‏هایی‏ که کار در آنها گروهی بوده-مقالاتی دارند که به قلم‏ چند نویسنده است و این تعدد نویسندگان باعث‏ می‏شود که زبان و لحن مقالات متفاوت بنماید.کار گروهی نیاز به هماهنگی دارد و هماهنگی در زبان و لحن آن به عهدهء ویراستار است.وقتی مقاله‏ای نوشته‏ می‏شود،چون نویسندگان متعددند باید نگارش آنها را به یک نهج و شیوه درآورد.از اینجاست که مسألهء بسیار مهم ویراستاری برای دایرة المعارف مطرح می‏شود.از آنجا که ویرایش در بهبود شکل دایرة المعارف اثرگذار است،این قسمت در اهمیت دادن به هر دایرة المعارفی‏ سهمی بسیار دارد.این کار در گذشته هم صورت‏ می‏گرفته و کلمهء«تهذیب»در همین معنا به کار می‏رفته است.نمونه‏اش کتاب معروف بطلمیوس‏ است که فردی آن را ترجمه کرده و فرد دیگری که در آن‏ زمینه تخصص داشته آن را با متن اصلی مقابله داده و ویرایش یا به اصطلاح تهذیب کرده است.کار ویراستار در اصل بر دو نوع است:زبانی و محتوایی.ویراستار زبانی لحن و زبان مقالات را که به قلم نویسندگان‏ متفاوتی نوشته شده به هم نزدیک و همگون می‏کند. دایرة المعارف پاسخگو به سؤالات است و باید که‏ صحت و دقت داشته باشد،یعنی اطلاعی که به فرد می‏دهد باید دقیق و صحیح باشد.این ویراستاران‏ محتوایی‏اند که باید بررسی کنند و اغلاط و اشتباهات‏ را اصلاح کنند.

ویراستاری دایرة المعارف کاری بسیار شاق و مشکل‏ است.نیروی بسیار می‏خواهد که مقالات متفاوت‏ دیگران در زمینه‏های گونه‏گون از سوی ویراستار پیرایش شود.اسامی،شیوهء نگارش،ارقام،اطلاعات، منابع و از این دست همگی باید زیر نظر ویراستار قرار گیرد تا اشتباهی رخ ندهد.البته ویراستاری با همهء زحمات ویراستار،کاری بی‏ارج نیز هست،چون به هر حال مقاله سرانجام به نام او هم در نمی‏آید و گاهی‏ اوقات نویسندهء مقاله حتی با او چک و چانه می‏زند!گاهی اوقات ویرایش زبانی اهمیتی ویژه می‏یابد.شما نگاه کنید به«فرهنگنامهء کودکان و نوجوانان» نویسندگانی که برای نمونه تخصصی در فیزیک دارند، مقاله‏ای می‏نویسند که ویراستار باید آن را در حد فهم‏ کودکان و نوجوانان کند.اگر از این لحاظ در نظر بگیریم،ویرایش زبانی برای آنها خیلی حیاتی است.

کیهان فرهنگی:مهم‏ترین‏ انگیزه‏های شما در نشر«دایرة المعارف‏ تشیع»چه بود؟

یوسفی اشکوری:از همان اوایل پیدایی اسلام، تشیع مذهب و فرقه‏ای بوده که بر فرهنگ و دانش تکیهء بسیار داشته است.اگر به کتابهای علوم و معارف‏ اسلامی مراجعه کنید،مشخص می‏شود که بسیاری از پایه‏گذاران علوم شیعیان بوده‏اند،اما با وجود همهء نقشی که شیعه در تکامل و رشد و توسعهء فرهنگ و \*فانی:ویراستاری‏ دایرة المعارف‏ها کاری بسیار شاق و مشکل،و در عین حال‏ گاهی بی‏ارج نیز هست.

\*یوسفی اشکوری:یکی از ضروریات نشر دایرة المعارف‏ تشیع بازشناساندن ریشه‏های‏ اعتقادی شیعه به خود شیعه‏ بوده است.

\*خرمشاهی:مشکلات مالی‏ در پایهء نخست،کمبود منابع‏ علمی و متخصص مؤلف در پایهء بعد از اهم مشکلات‏ دایرة المعارف نویسی است.

تمدن و معارف اسلامی داشته،به دلایلی امروز در دایرة المعارف‏ها و تحقیقات مکتوب غربیان و غیر مسلمانان به طور کلی در این زمینه‏ها از منابع کمتری‏ دربارهء شیعه استفاده شده است.البته برخی بر این‏ پندارند که آنها مغرضانه عمل کرده‏اند،اما به گمان من‏ این قاعده نیست،گر چه ممکن است موارد نادری هم‏ در تأیید آن سخن وجود داشته باشد.دلیل اصلی به‏ نظر من این است که خود شیعه در زمینهء معرفی تاریخ و تمدن گذشتهء خودش کوتاهی و مسامحه کرده است. به این دلیل است که نه تنها شیعه در کشورهای غربی و غیر اسلامی چنان که باید شناخته شده نیست،بلکه‏ حتی در میان کشورهای اسلامی نیز چنین است؛یعنی‏ اگر اکنون پژوهنده‏ای بخواهد در یک کشور اسلامی‏ چون کشور ما دربارهء شیعه به منابعی رجوع کند،به‏ طور عمده به همان منابع قدیم و کلاسیک پیشتر از قرن هفتم و هشتم مراجعه می‏کند.ما در قرون‏ هشتم و نهم به تقریب آثار مهم و علمی‏ای دربارهء فرهنگ و معارف تشیع نداریم.البته در عصر صفویه مواردی چون«بحار الانوار»را می‏توان یافت که خود گونه‏ای دایرة المعارف فرهنگ و معارف شیعه است.اما طی دو-سه سدهء اخیر به طور کامل خلأ و رکود وجود دارد و کارهای اساسی و جدی در این زمینه انجام‏ نشده است؛کاری که در دنیای امروز در خور رقابت با مشابهات خارجی باشد،نه تنها در مقایسه با کارهای‏ غربی بلکه با کارهایی که مسلمانان کشورهای اسلامی‏ دیگر نیز انجام داده‏اند.با توجه به این ضرورت‏ها بود که«دایرة المعارف تشیع»پایه‏گذاری شد و اکنون نیز در اینجا تلاش می‏شود که مقالات دایرة المعارف بر اساس‏ آن چهار و پنج ویژگی اصلی-که گفته شد-تدوین‏ شود.از سوی دیگر،متأسفانه بسیاری از مردم هر چند مسلمان و شیعه هستند اما از فلسفه‏های اعتقادی‏ اصلی شیعه اطلاع درستی ندارند.برای نمونه شیعه بر امامت تکیه‏ای ویژه دارد،اما کمتر کسانی از مردم از جوانب آن-که یک محور اصلی کلامی شیعه است-و از آراء و عقاید متکلمان شیعه دربارهء امامت آگاهند. بنابر این،یک وجه دیگر در ضرورت این دایرة المعارف‏ باز شناساندن این مسایل و ارائهء اطلاعات درست در این‏ زمینه به خود شیعه است.مقالات دایرة المعارف تشیع‏ اغلب به گونه‏ای نیست که تنها متخصصین یک علم‏ خاص بتوانند از آن استفاده کنند،بلکه کسانی در حد دیپلم و یا حتی پایین‏تر نیز به آسانی می‏توانند از آن‏ بهره بگیرند.

کیهان فرهنگی:مشکلات و موانعی‏ که در این زمینه با آنها رویارویید چه‏ مواردی هستند و چه پیشنهادی برای از میان برداشتن آنها دارید؟

خرمشاهی:مشکلات دایرة المعارف نویسی در جهان‏ و به ویژه ایران چنان زیاد است که به طنز باید دایرة المعارف تشیع را کنار بگذاریم و دایرة المعارف‏ مشکلات را منتشر کنیم!من این مشکلات را به سه‏ بخش انسانی،منابع علمی(به ویژه کتابخانه‏ای)و مالی تقسیم می‏کنم که البته مشکل سوم دو مشکل‏ اول را دامن می‏زند و وضعیت را وخیم‏تر می‏کند.اگر این مشکل سوم حل شود-که ما تا کنون ندیده‏ایم برای‏ سازمانی یا دایرة المعارفی حل شده باشد-آن دو مشکل دیگر هم کما بیش حل خواهد شد،یعنی‏ می‏توان از این راه نیروی انسانی هم پرورش داد.در ایران-حتی در این دایرة المعارف کوچک تشیع- پرورش نیروی متخصص به دلیل احساس ضرورت رخ‏ داد و ما توانستیم دست کم چهار و پنج مؤلف در خور پرورش دهیم.البته قصد ندارم بگویم ما اینها را پرورش‏ دادیم،خیر خودشان استعداد داشتند و پیگیری و ممارست نشان دادند و با استفاده از امکانات اینجا خود را پرورش دادند.در«دایرة المعارف بزرگ اسلامی» شاید سپاهی از مؤلفین دایرة المعارف نویس پرورش‏ یافتند که امکاناتشان با ما قابل قیاس نیست.صحبت‏ دربارهء مشکلات مالی توضیح واضحات است.

از نظر نیروی انسانی که می‏دانید علمای ما یا از حوزه‏اند و یا از دانشگاه.که خیلی دیده می‏شود برخی‏ از علما از نوشتن اکراه دارند.برخی حتی از نوشتن‏ ترس دارند،در تخصص خودشان هم نمی‏توانند قلم‏ بزنند.قصدم دست کم گرفتن شأن علمی ایشان‏ نیست،ولی باید گفت که نوشتن یک عادت است که‏ متأسفانه از مراحل اول تعلیم و تربیت به ما آموزش داده‏ نمی‏شود.هر کس باید با ذوق شخصی خود و با قبول‏ بعضی فداکاریها این کار را یاد بگیرد.

فانی:ذوق و سلیقه خیلی مهم است برای‏ مقاله نویس،چه بسا کسانی که تخصصی هم در یک‏ موضوعی دارند،اما از عهدهء نوشتن یک مقالهء کوتاه‏ برای دایرة المعارف برنمی‏آیند و به عکس،خیلی‏هامعلومات عمومی دارند ولی می‏توانند به راحتی‏ مقاله‏ای برای دایرة المعارف بنویسند.تألیف‏ دایرة المعارف یک مقدار هم از طریق تجربه به دست‏ می‏آید.

خرمشاهی:شما ببینید!برخی علمای بلند مرتبهء حوزه و دانشگاه،نوشتن عادت دستشان نیست و یا به‏ تعبیر بنده نوشتن رسانهء اصلی‏شان نیست.برخی نیز که هم علم دارند،هم تخصص،هم وقت و هم صلاحیت‏ علمی،امکانات اجتماعی ندارند.به این معنا که یک‏ استاد با داشتن تخصص علمی و فضایل نویسندگی در گرو کلاسهای درسی و از این دانشگاه به آن دانشگاه‏ رفتن است،پدیده‏ای که بنده به طنز آن را«مسافرکشی‏ علمی»می‏نامم؛یعنی در جایی سخنرانی می‏کنیم و در جای دیگر درس می‏دهیم و در جایی راهنمای تز دانشجو می‏شویم و بعد از نشریه‏ای سر در می‏آوریم و مقاله‏ای می‏نویسیم،آثار خودمان را غلطگیری‏ می‏کنیم،سخنرانیهایمان را مقاله می‏کنیم،مقاله‏مان‏ را کتاب می‏کنیم،با این حال زندگی مادی‏مان تأمین‏ نیست.کسی و جایی نیست که بگوید تأمین مالی با ما، شما دایرة المعارف بنویسید.دایرة المعارف‏ها نشانهء اعتبار هر کشورند،چرا در کشور ما نباید این پدیده رخ‏ دهد که به استادی عالی قدر و دارای مقام علمی و توانا در نویسندگی بگویند:«شما تمام وقت بخواهید برای ما کار کنید،ما در خدمت شما باشیم،چه کار باید انجام‏ دهیم».چرا نباید بگویند کل مخارج سالانه شما را می‏پردازیم،شما تمام فکر و همتتان را در راه‏ دایرة المعارف نویسی و تحقیق علمی قرار بدهید.در میان هزار تن از کسانی که در تهران چندین‏ دایرة المعارف را می‏نویسند،شاید پنج نفر هم نباشند که تمام هزینه‏های زندگی‏شان از طرف سازمانی‏ پرداخت شود و آنها همهء توانایی و خدمات علمی‏شان را بدهند به آن سازمان.

دربارهء مشکل منابع و کتابخانه باید گفت که تنها با یک نمایشگاه بیشتر تبلیغی کتاب نمی‏توان مشکلات‏ کتاب مملکتی را از میان برداشت.منابعی که ما داریم‏ یا قدیمی است(آنجا که به مسایل روز مربوط می‏شود) و یا برای به دست آوردن کتابهایی به زبانهای گونه‏گون‏ عربی،انگلیسی و دیگر با مشکلات بسیار رو به روییم. به گمان من مسؤولین باید توجهی عام و تام به این‏ مقوله کنند.دو فروشگاه کتاب که در آنها کتب عربی و انگلیسی ارائه شود،زیر نظر وزارت ارشاد یا علوم‏ راه‏اندازی و به طور فعال کار کند.و کتابهای مورد نیاز محققان را در زمانی اندک تهیه کند،مشکل حل‏ خواهد شد.باز گردیم به مشکلات مالی و یک راه حل‏ دیگر آن:سازمان اوقاف می‏تواند در این امور فرهنگی‏ فعالیت و سهمی بیش از پیش داشته باشد.بدین گونه‏ که ببیند آیا کسانی هستند که بخواهند یا بشود بخشی‏ از دارایی‏شان را صرف نشر دایرة المعارف و بهبود وضع‏ دانشنامه نویسی کنند یا خیر؟اگر امکان بهره بردن از دو موقوفهء این چنینی برای خود ما میسر نبود،در نشر دایرة المعارف تشیع مشکلاتمان خیلی بیشتر از اینها می‏نمود،نخستین موقوفه‏ای که گفتم از اموال روانشاد تولیت،آخرین تولیت آستانهء مقدسهء حضرت‏ معصومه(س)در قم بود که بعد از مدتی آن موقوفه و امکان بهره‏برداری از آن برای ما با مشکل مواجه شد- که شرحش مفصل است-و دومین موقوفه هم از موقوفهء جوانی شهید و برومند باقی مانده به نام شهید سعید محبی که مادر ایشان نیز اینک حتی منزل خود را فروخته‏اند و در راه نشر دایرة المعارف گذاشته‏اند. خانم محبی هنوز هم پیش برنده و ادامه دهندهء کار این‏ دایرة المعارفند و مخارج و هزینه‏ها را از آن موقوفه‏ تأمین می‏کنند،ولی چنین خیریه‏ها و موقوفاتی در ایران خیلی کم صورت می‏گیرد.

کیهان فرهنگی:برخی نظر می‏دهند که برای کاستن از مشکلات گریبانگیر دانشنامه‏ها شایسته است که همه را در یک سازمان یا جایی متمرکز کرد و سپس همهء نیرو و هزینه را صرف تهیه و نشر دانشنامه‏ای در زمینه‏ای خاص کرد و پس از آنکه این دانشنامه به سرعت و با شتاب کامل شد،به دایرة المعارف و فرهنگنامه‏ای دیگر در موضوعی دیگر پرداخت.شما چه عقیده‏ای دارید؟

خرمشاهی:من گمان نمی‏کنم چنین کاری شدنی‏ باشد.اهداف،دامنه‏ها و ماهیت‏های هر دانشنامه‏ای‏ متفاوت است.اینها که قرار نیست همدیگر را تکرار کنند.شاید دایرة المعارفهای سه گانهء کبرا و وسطا و صغرا نزدیک هم باشند و یا حتی شاید بتوان‏ دایرة المعارف بزرگ اسلامی را با«دانشنامهء جهان‏ اسلام»که بی‏شباهت به هم نیستند و مؤلفان و پژوهندگان مشترکی دارند،ادغام کرد؛اما تشیع را نمی‏توان.دایرة المعارف‏های دیگر نیز چنینند. «دانشنامهء زبان و ادبیات فارسی»کجا و«فرهنگنامهء کودکان و نوجوانان»و یا«دایرة المعارف علوم اجتماعی» و یا«سینما»کجا؟

کیهان فرهنگی:منظور آنها ادغام‏ نیست،بلکه بهره‏گیری از امکانات مالی‏ و کتابی و انسانی جمع شده در یک جا و نشر دایرة المعارفی با موضوع،ماهیت و اهدافی خاص و کامل کردن آن،و سپس‏ اهتمام در نشر دایرة المعارفی با موضوع،ماهیت و اهدافی دیگر است و به همین ترتیب تا آخر.

خرمشاهی:نه،گمان نکنم بتوان چنین کرد.فرض‏ بفرمایید این سازمان نوبنیاد در حال تدوین‏ دایرة المعارفی خاص در فقه باشد،تکلیف محققینی که‏ متخصص در فیزیک یا شیمی‏اند چه می‏شود؟آیا آنها باید تا نشر این دایرة المعارف و رسیدن نوبت به‏ دایرة المعارف-اگر احتمالی و برنامه‏ای هم برای نشر آن در نظر گفته باشند-بی‏کار بمانند؟زیاد نمی‏توان به‏ نتایج چنین کار نادرستی خوشبین بود.

کیهان فرهنگی:اگر صحبت خاصی‏ ندارید با تشکر از وقتی که به ما دادید، به گفتگو پایان دهیم.

فانی:اجازه بدهید من یک مشکل مهم دیگر را هم‏ اشاره‏وار بیان کنم و آن مشکل خریدار است.در جامعهء ما نیاز به خرید چنین کتبی که سرشار از اطلاعات و آگاهی‏اند دیده و احساس نمی‏شود،و این خیلی ما را دچار مشکل می‏کند.چند هفته پیش یکی از اهل‏ فرهنگ ترکیه به اینجا آمده بود و از سر کنجکاوی از او پرسیدیم که تیراژ دایرة المعارف شما در ترکیه چقدر است.می‏دانید چه پاسخی داد؟گفت:هشتاد هزار! آن کشور لائیک را حالا مقایسه کنید با کشور خودمان که با این جمعیت دایرة المعارف تشیع‏ تنها در پنج هزار چاپ می‏شود،که‏ البته کلی از آن هم در انبار می‏ماند.دایرة المعارف‏های‏ دیگر هم خیلی زیاد باشند در ده هزار منتشر می‏شوند، اما آنقدر با مشکل خریدار رو به رو می‏شویم که برخی‏ اوقات از خود می‏پرسم به واقع این همه زحمت و مشقتی که صرف می‏شود نتیجه‏اش چیست؟آیا این‏ طور از فرهنگمان داد سخن می‏دهیم؟!

کیهان فرهنگی:با سپاس از شما که‏ در این گفتگو شرکت کردید.